

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان
دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری

گروه مدیریت صنعتی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مدیریت کارآفرینی گرایش کسب و کارهای کوچک

عنوان:

مطالعه نقش تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی زنان

(مطالعه موردی: تعاونی‌های زنان در شهر سمنان)

استاد راهنما:

دکتر رضا محمدی گرمی

استاد مشاور:

دکتر صدیقه خورشید

پژوهشگر:

الهه دلاور کوران کردیه

تابستان ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه سمنان است.

***** تعهد نامه *****

اینجانب الهه دلاور کوران کردیه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت کارآفرینی گرایش کسب و کار دانشگاه سمنان، دانشکده اقتصاد و مدیریت گروه مدیریت صنعتی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می نمایم. در ضمن، مسئولیت هر گونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده ی اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

امضاء

الهه دلاور کوران کردیه

تاریخ: ۱۳۹۱/۶/۳۱

تقدیم به:

او که غم فراقش در باورم نمی‌گنجد،

مادر بزرگم

تندیس تمام خوبی‌ها،

مادرم و پدرم

الهام بخش زندگی‌م،

خواهرم

چکیده

پژوهش حاضر نقش تعاونی‌ها را در توسعه کارآفرینی زنان مورد مطالعه قرار داده است. نظر به اهمیت نقش تعاونی‌ها به عنوان یکی از بهترین سازوکارهای مشارکت مردمی نظام‌مند در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و نقش تعیین کننده زنان در اقتصاد ملی می‌توان شرکت‌های تعاونی زنان را از جمله تشکلهای مردمی دانست که امکان جلب مشارکت‌های مردمی در جهت رسیدن به اهداف توسعه، یکپارچه کردن منابع انسانی، تجمیع سرمایه‌های کوچک، ایجاد اشتغال با شرایط سهل و آسان و در نتیجه بالا بردن توان اقتصادی زنان را فراهم می‌آورند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۱ تعاونی زنان در شهر سمنان است که اعضای هیئت مدیره این تعاونی‌ها به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. این پژوهش به صورت کیفی و با فن ترکیب چند موردی برای تحلیل داده‌های یک مطالعه چند موردی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عضویت اختیاری، خودگردانی و توجه به جامعه بر متغیرهای کارآفرینی تأثیر غیر مستقیم دارند. درحالیکه کنترل دموکراتیک، مشارکت اقتصادی اعضا، آموزش و همکاری بین تعاونی‌ها تأثیر مستقیم بر این متغیرها دارند.

واژگان کلیدی: توسعه، زن کارآفرین، تعاونی، سمنان.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
	فصل اول: کلیات تحقیق
۱-۱	مقدمه ۱
۲-۱	بیان مسئله ۲
۳-۱	اهمیت موضوع ۵
۴-۱	اهداف تحقیق ۷
۱-۴-۱	هدف اصلی ۷
۱-۴-۲	اهداف فرعی ۷
۵-۱	سوالات تحقیق ۸
۱-۵-۱	سوال اصلی ۸
۱-۵-۲	سوالات فرعی ۸
۶-۱	تعریف مفهومی متغیرها ۹
۷-۱	تعریف عملیاتی متغیرها ۱۲
۸-۱	جمع‌بندی ۱۲
	فصل دوم: پیشینه تحقیق
۱-۲	کارآفرینی ۱۴
۱-۱-۲	دوره اولیه ۱۵

۱۶قرون وسطی.....(۲-۱-۲)
۱۶قرن هفدهم میلادی.....(۳-۱-۲)
۱۶قرن هجدهم میلادی.....(۴-۱-۲)
۱۷قرن نوزدهم و بیستم میلادی.....(۵-۱-۲)
۱۸دیدگاه شومپیتر درباره کارآفرینی.....(۲-۲)
۱۹انواع کارآفرینی.....(۳-۲)
۲۲کارآفرینی زنان.....(۴-۲)
۲۳ویژگی‌های زنان کارآفرین.....(۱-۴-۲)
۲۴تفاوت کارآفرینی زنان و مردان.....(۲-۴-۲)
۲۶دلایل کارآفرین شدن زنان.....(۳-۴-۲)
۲۷اهمیت کارآفرینان زن.....(۴-۴-۲)
۳۰تعاون.....(۵-۲)
۳۰مفهوم تعاون.....(۱-۵-۲)
۳۱تاریخچه تعاون.....(۲-۵-۲)
۳۲شرکت تعاونی.....(۳-۵-۲)
۳۳تعاونی‌ها و دیگر موسسات تجاری.....(۴-۵-۲)
۳۴اهداف بخش تعاون.....(۵-۵-۲)
۳۵زنان و تعاون.....(۵-۵-۲)

۳۹تحقیقات داخلی و خارجی (۶-۲)
۴۲ارتباط بین متغیرهای پژوهش (۷-۲)
۴۴جمع‌بندی (۸-۲)

فصل سوم: روش تحقیق

۴۶مقدمه (۱-۳)
۴۶رویکرد تحقیق (۲-۳)
۴۷متغیرهای پژوهش (۳-۳)
۴۷متغیرهای وابسته (۱-۳-۳)
۴۷متغیرهای مستقل (۲-۳-۳)
۴۸جامعه آماری (۴-۳)
۵۰نمونه آماری و روش نمونه‌گیری (۵-۳)
۵۰ابزار گردآوری داده‌ها (۶-۳)
۵۰روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها (۶-۳-۱)
۵۱روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (۷-۳)
۵۲نوآوری پژوهش (۸-۳)
۵۳جمع‌بندی (۹-۳)

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۵۵مقدمه (۱-۴)
----	------------------

۵۵	۲-۴	مطالعه موردی یک: شرکت تعاونی نادر.....
۵۵	۱-۲-۴	متغیرهای کارآفرینی.....
۵۷	۲-۲-۴	متغیرهای تعاونی.....
۶۰	۳-۴	مطالعه موردی دو: شرکت تعاونی بانوان مفید.....
۶۰	۱-۳-۴	متغیرهای کارآفرینی.....
۶۱	۲-۳-۴	متغیرهای تعاونی.....
۶۴	۴-۴	مطالعه موردی سه: شرکت تعاونی زربافت.....
۶۴	۱-۴-۴	متغیرهای کارآفرینی.....
۶۵	۲-۴-۴	متغیرهای تعاونی.....
۶۸	۵-۴	مطالعه موردی چهار: شرکت تعاونی پیشرو در توسعه.....
۶۸	۱-۵-۴	متغیرهای کارآفرینی.....
۷۰	۲-۵-۴	متغیرهای تعاونی.....
۷۲	۶-۴	مطالعه موردی پنج: شرکت تعاونی بهشت ولیعصر.....
۷۲	۱-۶-۴	متغیرهای کارآفرینی.....
۷۳	۲-۶-۴	متغیرهای تعاونی.....
۷۶	۷-۴	مطالعه موردی شش: شرکت تعاونی بانوان خیاط.....
۷۶	۱-۷-۴	متغیرهای کارآفرینی.....
۷۷	۲-۷-۴	متغیرهای تعاونی.....

۸۰	۸-۴	مطالعه موردی هفت: شرکت تعاونی نرگس کومش
۸۰	۱-۸-۴	متغیرهای کارآفرینی
۸۱	۲-۸-۴	متغیرهای تعاونی
۸۳	۹-۴	مطالعه موردی هشت: شرکت تعاونی گلریز شقایق
۸۳	۱-۹-۴	متغیرهای کارآفرینی
۸۴	۲-۹-۴	متغیرهای تعاونی
۸۶	۱۰-۴	مطالعه موردی نه: شرکت تعاونی کارگشایان قومس
۸۶	۱-۱۰-۴	متغیرهای کارآفرینی
۸۷	۲-۱۰-۴	متغیرهای تعاونی

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۹۰	۱-۵	مقدمه
۹۱	۲-۵	ویژگی های جمعیت شناختی هیئت مدیره تعاونی ها
۹۲	۳-۵	نتایج تحقیق
۹۷	۴-۵	نتیجه گیری نهایی
۹۸	۵-۵	پیشنهادات
۹۹	۶-۵	پیشنهادات برای تحقیقات آینده
۹۹	۷-۵	محدودیت های تحقیق
۱۰۰	۸-۵	جمع بندی

فهرست منابع.....۱۰۱

پیوست

پرسشنامه تحقیق.....۱۰۶

فهرست اشکال

شکل ۱-۲.....۴۳

فهرست جداول

جدول ۱-۳.....۴۹

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱) مقدمه

امروزه جوامع با تحولات و تغییرات گسترده بین‌المللی روبرو هستند. حوادث و دگرگونی‌های نظام‌های اجتماعی- اقتصادی عصر حاضر حاصل پیشرفت‌های شگرف علمی و فن‌آورانه هستند که در جایگاه خود موجب دیدگاه‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای جدیدی شده‌اند. برای پاسخ به این نیازها و همراهی با تحولات و دگرگونی‌های یاد شده، نمی‌توان به روش‌ها و فرآیندهای موجود اکتفا کرد. از این رو تضمین و تداوم حیات و بقای جوامع نیازمند ارائه راه‌ها و روش‌های جدید به منظور رویارویی با مشکلات است. به این خاطر نوآوری، ابداع و تولید محصول جدید، فرآیندها و روش‌های نو بیش از پیش ضرورت می‌یابند. در جوامع امروزی زنان نقش مهم و در حال گسترشی در زمینه کسب و کار دارند. کشورهای پیشرفته خیلی سریع توانستند نقش زنان کارآفرین را در توسعه اقتصادی کشف کنند و به دنبال توسعه و ترویج چنین فرهنگی در میان زنان باشند و در این راستا سیاست‌های حمایتی مناسبی را در تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه و بقای روحیه کارآفرینی در میان زنان اتخاذ کرده‌اند. در واقع در عرصه کنونی جهان زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعه، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری در جوامع تبیین یافته است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). هویت دادن به زنان، استقلال بخشیدن به آنان و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آنها در امور مختلف اقتصادی- اجتماعی عامل مهمی در انگیزش بیشتر این نیروی عظیم در چرخه‌های تولیدی جوامع است. یکی از موثرترین راهکارها که بستر لازم را برای رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های ذهنی زنان مهیا می‌کند و موجب مشارکت فعال آنها در فعالیت‌های گروهی می‌گردد فعالیت در قالب تعاونی‌هاست. تعاونی‌ها از بخش‌های مهم اقتصادی

به شمار می‌روند که سهمی چشم‌گیر در اشتغال دارند. در دو دهه گذشته، تعاونی‌های زنان در زمینه‌های گوناگون پایه‌گذاری شده و گسترش یافته‌اند. از این رو تعاونی‌ها می‌توانند با ارتقای دانش و ظرفیت‌های علمی زنان، آنان را توانمند سازند و با آموزش اصول توسعه مشارکتی، تدریس روش‌های تصمیم‌گیری گروهی و پرورش اعتماد به نفس به آنها خدمت موثری نمایند (روستا و همکاران، ۱۳۸۹).

لذا این تحقیق بر آن است که نقش تعاونی‌ها را در توسعه کارآفرینی زنان بیشتر مورد بررسی قرار داده و عوامل توسعه کارآفرینی زنان را در قالب تعاونی مشخص سازد.

۱-۲) بیان مساله

واژه کارآفرینی مفاهیمی همچون نوآوری، مخاطره‌پذیری، ایجاد یا تجدید ساختار یک واحد اقتصادی و اجتماعی، رضایت‌شخصی و استقلال‌طلبی را به ذهن متبادر می‌سازد و به عنوان یکی از مهمترین عوامل سودمند در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه در نظر گرفته می‌شود. شواهدی وجود دارد که کشورهای با درصد بالاتری از کارآفرینان در مقایسه با کشورهایی با درصد پایین تری از کارآفرینی سریع تر توسعه می‌یابند. کارآفرینان منبع جدیدی از عرضه مواد و بازارها را کشف و شکل جدیدتر و موثرتری از سازمان را تأسیس می‌کنند (رائو و همکاران، ۲۰۱۱). شومپتر کارآفرین را منشأ تقاضای جدید از طریق فرآیند نوآوری می‌داند زیرا این نوآوری‌ها با تغییر سازمان موجود، خریداران را به سمت خرید کالاهای جدید سوق می‌دهند و به این ترتیب سهم بازار و ثروت را نصیب کارآفرینان می‌کند. وی از این فرآیند به عنوان تخریب خلاق یاد می‌کند زیرا کارآفرینان از طریق فرآیند تخریب بازارهای موجود ثروت جدیدی را به دست می‌آورند (لوئیز، ۲۰۱۰). شومپتر پنج نوع اصلی نوآوری را در نظریه توسعه اقتصادی مطرح می‌کند که عبارتند از:

- محصول جدید (تولید محصول جدید یا بهبود محصول موجود)
 - فرآیند جدید (روش‌های جدید برای تبدیل ورودی به خروجی)
 - بازار جدید (گشایش و توسعه بازارهای جدید)
 - تأمین جدید (منابع و روش‌های جدید تأمین)
 - سازمان‌دهی جدید (روش‌های جدید برای سازمان‌دهی کسب و کار) (داجسن، ۲۰۱۱).
- کارآفرینی در جهان امروز به سرعت در حال پیشرفت بوده و کارآفرینی زنان موضوع پرتلهاب کشورهای است زیرا کارآفرینی زنان نقش برجسته‌ای را در سلامت اقتصاد جوامع ایفاء می‌کند (گلرد، ۱۳۸۴). توسعه کارآفرینی در میان زنان قدم بزرگی برای افزایش مشارکت آنها در فرآیند توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. این امر باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود و فرصت‌های اشتغال را برای زنان فراهم می‌کند و در نتیجه باعث بهبود استقلال اقتصادی آنها می‌شود. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی را هم ایجاد می‌نماید. در واقع افزایش مشارکت زنان به عنوان نیروی کار پیش‌نیازی برای خوداشتغالی و بهبود موقعیت آنها در جامعه محسوب می‌شود (روک، ۲۰۱۱). از این رو تعاونی‌ها می‌توانند اهرمی مناسب برای توسعه اقتصادی به شمار آیند که همگام با سیاست‌های دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقای سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم موثر باشند. با توجه به اینکه خلاقیت و نوآوری و توان کشف فرصت‌های جدید از بارزترین ویژگی‌های کارآفرینان می‌باشند و خصوصیات رفتاری این گونه افراد نیاز به شرایط خاص و متفاوت محیطی دارد، بخش تعاونی می‌تواند یکی از بهترین بسترها برای پیشرفت و پرورش کارآفرینان باشد. در سال‌های اخیر رشد کمی و کیفی مطلوب تعاونی‌های زنان، به عنوان یکی از نهادهای خودجوش اقتصادی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و با توجه به اینکه تعاونی‌ها بر اصل هر عضو، یک رای اداره می‌شوند، فرصت مناسبی

را برای مشارکت زنان همپای مردان با شرایط برابر فراهم می‌آورند (آجیلی، ۱۳۸۸). آنها با تشریح مساعی در قالب تعاونی‌های کوچک می‌توانند به ابزاری برای نیل به اهداف و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود دسترسی پیدا کنند. زیرا تعاونی‌ها برای اعضای کارآفرین خود، امکان حل مشکلات به صورت جمعی را فراهم می‌آورند و تأمین نیازهای اساسی و راهبردی را بشارت می‌دهند. شرکت‌های تعاونی زنان را می‌توان از جمله تشکل‌های مردمی دانست که امکان جلب مشارکت‌های مردمی در جهت رسیدن به اهداف توسعه، یکپارچه کردن منابع انسانی، جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک، ایجاد اشتغال با شرایط سهل و آسان و در نتیجه بالا بردن توان اقتصادی زنان را فراهم می‌آورند. بدون تردید تشکل‌های زنان بستر مناسبی هستند که چنانچه به دور از تبعیض و با رعایت برابری اعضاء و در پرتو فرهنگ مشارکت برای اشتغال شایسته زنان تشکیل شوند تاثیر بسزایی در جهت تحقق عدالت اجتماعی خواهند داشت. در این راستا مشارکت زنان (به عنوان نیمی از عوامل توسعه انسانی) در قالب شرکت‌های تعاونی منجر به افزایش حضور آنها در فعالیت‌های جمعی در برابر فردی شده و آنان را به قشری فعال در جامعه تبدیل می‌کند؛ لذا بنا به ضرورت توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری آنها ضروری است که شرایط لازم برای توسعه کارآفرینی زنان فراهم گردد تا با ایجاد کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضلات اقتصادی جامعه را کاهش دهند. براساس بازنگری اتحادیه بین‌المللی تعاون^۱ (۲۰۰۷)، عضویت اختیاری، کنترل دموکراتیک توسط اعضاء، مشارکت اقتصادی اعضاء، خودگردانی و عدم وابستگی، همکاری، آموزش و اطلاع رسانی و توجه به جامعه ویژگی‌هایی هستند که باعث تمایز شرکت‌های تعاونی از دیگر شرکت‌های تجاری می‌گردند (فمی و همکاران، ۱۳۸۷).

1. International Co-operative Alliance

از این رو در این پژوهش، چگونگی تحت تاثیر قرار گرفتن متغیرهای محصول جدید، بازار جدید، فرآیند جدید، تأمین جدید و سازمان‌دهی جدید به عنوان شاخص‌های کارآفرینی توسط متغیرهای عضویت اختیاری، کنترل دموکراتیک، مشارکت اقتصادی، خودگردانی، همکاری، آموزش و توجه به جامعه به عنوان شاخص‌های تعاونی در تعاونی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ارتباط بین این متغیرها شناسایی گردد. به این منظور، سعی می‌شود تا نقش تعاونی‌ها در توسعه کارآفرینی زنان در شهر سمنان مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان عوامل پیشرفت کارآفرینی زنان را در قالب تعاونی مشخص ساخت.

۱-۳) اهمیت موضوع

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. اکنون نگاه جهان بیشتر به سوی زنان معطوف شده است؛ زیرا امروزه برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. نقش زنان در توسعه مستقیماً با اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی عاملی بنیادی محسوب می‌گردد (صابر، ۱۳۸۱). با توجه به اینکه زنان در اکثریت جوامع نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند اما متأسفانه در جوامع توسعه نیافته و یا در حال توسعه زنان در حاشیه قرار گرفته و سهم آنها در مشارکت و انواع فعالیت‌های اجتماعی بسیار ناچیز است (فلدمن، ۲۰۰۴). نمونه این امر کمتر بودن نرخ کارآفرینی زنان نسبت به مردان در این جوامع و حتی در جوامع توسعه یافته نیز می‌باشد. زنان برای کسب استقلال مالی و به کارگیری

استعداد و توان خود به نحو فزاینده‌ای وارد بازار کار می‌شوند. بخشی از زنان فعال ترجیح می‌دهند که به طور مستقل کار کنند و با پذیرش مشکلات و نااطمینانی‌های فضای کسب و کار به ایجاد واحد اقتصادی دست می‌زنند. اما با توجه به اینکه شمار زنان کارآفرین در دهه‌های اخیر رو به افزایش بوده است ولی هنوز زنان سهم کوچکی را در کل کارآفرینان کشورهای مختلف به خود اختصاص می‌دهند که این امر به دلیل وجود موانعی است که بر سر راه کارآفرینی زنان در این جوامع قرار دارد (صابر، ۱۳۸۱). از این رو رویکرد تعاونی یکی از بهترین سازوکارهای مشارکت مردمی نظام‌مند در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی است که اشتغال و معیشت پایداری برای اقشار آسیب‌پذیر و کم درآمد ایجاد می‌نماید. این رویکرد راهکاری بسیار مناسب برای توانمندسازی زنان می‌باشد؛ چرا که گروهی از زنان به دلیل مسئولیت‌های چندگانه و دسترسی کم‌تر به برخی منابع قادر به راه اندازی کسب و کار مستقل نبوده و نمی‌توانند به تنهایی به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود دست یابند. بنابراین با توجه به نقش تعیین کننده زنان در اقتصاد ملی و اهمیت و ویژگی‌های خاص تعاونی‌ها جهت بسترسازی حضور زنان در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی بررسی وضعیت این تشکلهای و شناسایی مسائل و مشکلات آنها می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد (آجیلی، ۱۳۸۸). حال با توجه به اینکه کارآفرینی پدیده‌ای است که در آن افراد و سازمان‌ها به مدد خلاقیت و نوآوری به عنوان عاملان تغییر از طریق ایجاد و شناسایی فرصت‌های جدید به خلق و ارائه کالاها و خدمات موردنیاز اجتماع می‌پردازند و تعاونی‌ها نیز به عنوان انجمن‌هایی مستقل برای رسیدن به اهداف اساسی خود نیازمند خلاقیت و نوآوری اعضا می‌باشند، می‌توان به اهمیت و ضرورت این تحقیق پی برد. در واقع تعاونی‌ها با دارا بودن اصولی مانند عضویت آزاد و اختیاری، کنترل دموکراتیک، آموزش، مشارکت اقتصادی، استقلال، همکاری در میان تعاونی‌ها و توجه به نیاز جامعه می‌توانند بستر مناسبی برای فعالیت و موفقیت کارآفرینان فراهم کنند و با در نظر گرفتن